

ویژگی‌های جوانان عاشورایی

حجت‌الاسلام والمسلمین محمد سبحانی‌نیا*

اشاره

شواهد تاریخی و تجربه‌های عینی در نهضت‌های بزرگ اسلامی، بیانگر آن است که نسل جوان از حرکت‌های انقلابی در سراسر جهان، به نحو احسن استقبال و حمایت کرده است. این جریان را می‌توان از آغاز بعثت رسول خدا ﷺ تا عصر حاضر در صحنه‌های مختلف مشاهده کرد. روحیه حق‌طلبی و مسئولیت‌پذیری جوانان، موجب حضور چشمگیر آنان در صف اول مبارزه حق علیه باطل شده است. این مسئله، حقیقتی است که در عصر حاضر در دوران مبارزات انقلابی، هشت سال دفاع مقدس و دفاع از حرم اهل بیت علیهم‌السلام خود را به خوبی نشان داد و الگوهای هم‌چون شهید حججی‌ها را به عالم اسلام معرفی کرد. بی‌تردید در نهضت عاشورا نیز مهم‌ترین و سرنوشت‌سازترین نقش‌ها را نیروهای جوان بر عهده داشتند. در هر جامعه‌ای جوانان بیشتر از هر گروه سنی، به دنبال اسوه و الگوی رفتاری هستند. اکنون که هجمه نرم دشمن ایمان جوانان را نشانه گرفته است، معرفی چهره‌های شاخص مذهبی و تبیین ابعاد مختلف زندگی آنان به جامعه و به‌ویژه جوانان، از ضروریات انکارناپذیر است؛ زیرا آشنایی جوانان با چهره‌های نورانی و پرصلابتی که با ایمانی راسخ و عزمی استوار به فله‌های رفیع سعادت صعود کردند، به آن‌ها هویت می‌بخشد.

۱. ایمان راسخ

عاشورا، عرصه تجلی ایمان جوانانی است که با یاد خدا از مشکلات ترسیدند و خطر را به جان خریدند. نمونه بارز آن، ایمان راسخ حضرت عباس علیه‌السلام است. آنچه بیشتر از چهره مبارک آن حضرت در ذهن‌ها به تصویر کشیده شده است، شجاعت اوست؛ در حالی که آن حضرت ابتدا

* عضو هیئت علمی دانشگاه کاشان.

بنده‌ای سراپا تسلیم الهی بود و تمام عظمت‌ها و ارزش‌های او نیز زیر سایه همین بندگی و اطاعت محض الهی قرار دارد. امام صادق علیه السلام درباره ایمان آن حضرت فرموده است: «كَانَ عَمَّنَا الْعَبَّاسُ بْنُ عَلِيٍّ نَافِذَ الْبَصِيرَةِ ضَلَبَ الْإِيمَانَ جَاهِدَ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ وَأَبْلَى بَلَاءَ حَسَنًا وَمَضَى شَهِيدًا؛^۱ عموی ما عباس، دارای بینشی ژرف و ایمانی راسخ بود. همراه با امام حسین علیه السلام جهاد کرد و نیک آزمایش داد و به شهادت رسید».

ایمان راستین و راسخ حضرت ابوالفضل علیه السلام، در رجزخوانی ایشان در روز عاشورا نمایان است. وقتی با مارد بن سدی شروع به مبارزه کرد، فرمود: «أَنَا بِنُ عَلِيٍّ لَا أَعْجُزُ مِنْ مُبَارَاةِ الْأَقْرَانِ وَ مَا أَشْرَكَتُ بِاللَّهِ لَمَحَّةَ الْبَصْرِ؛^۲ من فرزند علی هستم که در مبارزه با شجاعان عرب، هیچ عجزی ندارم و من به اندازه یک چشم بر هم زدن، به خدا شرک نورزیده‌ام.

شرک در برابر توحید است و به شرک در ذات، صفات و افعال و به دو قسم جلی و خفی تقسیم می‌شود. این جمله حضرت با اطلاقی که دارد، همه مراتب شرک را از خود نفی می‌کند و نشان‌دهنده ایمان کامل ایشان است. از این رو امام صادق علیه السلام لقب گران‌سنگ بنده خدا بودن را به آن حضرت داده است؛ چنانکه در زیارتنامه‌اش می‌خوانیم: «السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا الْعَبْدُ الصَّالِحُ الْمَطِيعُ لِلَّهِ وَ لِرَسُولِهِ وَ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ».^۳

مؤمنان واقعی در آخرت، با رویی درخشان و تابناک محشور می‌شوند و در دنیا نیز آثار بندگی و پرستش در سیمای‌شان پدیدار است؛ چنانکه قرآن مجید در وصف آن‌ها فرموده است: «سَيَمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَنْوَارِ السُّجُودِ؛^۴ علامت آنان، اثر سجده در چهره‌هایشان است». یکی از مصادیق این آیه شریفه، حضرت عباس علیه السلام است. در تاریخ نوشته‌اند: «اثر سجده‌های طولانی بر پیشانی‌اش نقش بسته بود تا آنجا که قاتل او می‌گوید: وی نیکو چهره و رشید بود که در پیشانی‌اش اثر سجده می‌درخشید».^۵

این ویژگی را در میان جوانان عاشورایی این زمان نیز می‌توان به راحتی مشاهده کرد. یکی از دوستان نزدیک شهید محسن حججی درباره ایمان این شهید والا مقام می‌گوید:

۱. جعفر بن محمد ابن نما حلی؛ مثير الأحزان؛ ص ۲۵۵.

۲. عبدالواحد مظفر؛ بطل العلقمی؛ ج ۲، ص ۱۶۲.

۳. جعفر بن محمد ابن قولویه؛ کامل الزیارات؛ ص ۲۵۷.

۴. فتح؛ ۲۹.

۵. علی بن حسین ابوالفرج اصفهانی؛ مقاتل الطالبین؛ ص ۷۹.

محسن همیشه با بینش و نگرش کافی در هر عرصه و مسیری وارد می‌شد و در نتیجه همیشه بسیار مصمم بود. برای بحث اعزام به سوریه و مدافع حرم شدنش، خیلی تلاش کرد. دلیل اصلی آن آرامشی که هنگام اسارت در چهره‌اش نمایان است، این است که به راهی که انتخاب کرده بود، ایمان کامل داشت و حتی یک درصد هم نسبت به این مسیر شک و شبهه‌ای در دل نداشت. محسن مطمئن بود که پا در مسیری گذاشته است که در نهایت، عاقبت بخیری را برایش به همراه دارد... انسان‌هایی که ایمان قوی داشته باشند و صاحب پشتوانه اعتقادی خوبی باشند، هیچ‌گاه در برابر دشمنان خم به ابرو نمی‌آورند. این استقامت شهید با اینکه مجروح و در حال اسیر شدن بود، فقط به خاطر ایمان به خدا و راهی بود که در آن وارد شده و بیشتر رزمندگان ما نیز این خصلت را دارا هستند.^۱

۲. تکلیف‌گرایی

یکی از صفات بارز جوانان عاشورایی، تکلیف‌گرایی است. آنچه برای آن‌ها مهم بود، انجام وظیفه بود؛ نه کسب نتیجه. این ویژگی هر چند به ظاهر امری ساده به نظر می‌رسد، اما انسان در مقام عمل با دشواری‌های زیادی مواجه می‌شود که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به شناخت تکلیف و در گام بعدی، توفیق در عبور از موانع و عمل به آن اشاره کرد. در چنین منطقی هدف، اجرای تعهدات و وظایف است؛ خواه به نتیجه برسد و خواه در ظاهر به شکست بینجامد؛ هر چند دستیابی به نتیجه نیز مهم است. گفتگوی حضرت علی اکبر علیه السلام با پدر بزرگوارش، گویای این موضوع است. وقتی امام حسین علیه السلام در مسیر کربلا، در منزل «قصر بنی مقاتل» به دنبال خوابی که دیده بود، جمله «انا لله و انا الیه راجعون» را بر زبان آورد، حضرت علی اکبر علیه السلام علت را جویا شد. امام علیه السلام فرمود: «اسب سواری مقابل من در خواب ظاهر شد و گفت: این قوم شبانگاه در حرکت است و مرگ به استقبالشان می‌آید». حضرت علی اکبر علیه السلام، حق را با معیارش تشخیص داد. از این رو از امام علیه السلام پرسید: «أَلَسْنَا عَلَى الْحَقِّ؟؛ پدرم! آیا ما بر حق نیستیم؟». امام علیه السلام فرمود: «سوگند به خدا که ما بر حقیقیم». حضرت علی اکبر علیه السلام گفت: «فَأَيْنَا إِذَا لَا نُبَالِي أَنْ نَمُوتَ؟؛ پس ما را باکی از مرگ نیست».

جوان به سبب روحیه‌ای که دارد، آرمان‌گرا، حق‌طلب و آماده برای فداکاری است؛ اما گاهی

۱. خبرگزاری تسنیم؛ «ایمان قوی، علت آرامش چهره شهید پس از اسارت»؛ ۱۳۹۶/۰۵/۲۸، کد خبر: ۱۴۹۴۰۱۵
<https://www.tasnimnews.com/fa/news/1494015>

۲. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد؛ ج ۲، ص ۸۲.

ممکن است به سبب هیجاناتی که دارد، از مسیر حق خارج و درگیر حاشیه‌هایی شود که برای او ثمره‌ای جز اتلاف وقت ندارد و یا در تشخیص حق و باطل، دچار سردرگمی شود. در چنین شرایطی باید به ولی و امام خویش مراجعه کند. قرآن امامان علیهم‌السلام را مرجع علمی مردم معرفی کرده است: «فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ»^۱ پس اگر نمی‌دانید، از اهل ذکر (امامان) جویا شوید».

امروزه جوانان ما نیز این روحیه حق‌گرایی و دین‌داری داشته و بدان سخت پایبند هستند، چنانچه اینان با الهام از روحیه جوانان کربلا هشت سال از دین و نظام اسلامی دفاع و فرهنگ شهادت‌طلبی را نهادینه کردند، چنانچه رهبر معظم انقلاب علیه‌السلام می‌فرماید:

یک کتابی تازه خوانده‌ام که خیلی برای من جالب بود. دختر و پسر جوان - زن و شوهر - متولدین دهه ۷۰، می‌نشینند برای اینکه در جشن عروسی‌شان گناه انجام نگیرد، نذر می‌کنند سه روز روزه بگیرند! به نظر من این را باید ثبت کرد در تاریخ که یک دختر و پسر جوانی برای اینکه در جشن عروسی‌شان ناخواسته خلاف شرع و گناهی انجام نگیرد، به خدای متعال متوسل می‌شوند، سه روز روزه می‌گیرند. پسر عازم دفاع از حریم حضرت زینب علیها‌السلام می‌شود؛ گریه ناخواسته این دختر، دل او را می‌لرزاند؛ به این دختر - به خانمش - می‌گوید که گریه تو دل من را لرزاند، اما ایمان من را نمی‌لرزاند! و آن خانم می‌گوید که من مانع رفتن تو نمی‌شوم، من نمی‌خواهم از آن زن‌هایی باشم که در روز قیامت پیش فاطمه زهرا سرافکننده باشم! ببینید، این‌ها مال قضایای صد سال پیش و دوست سال پیش نیست، مال سال ۹۴ و ۹۵ و مال همین سال‌ها است، مال همین روزهای در پیش [روی] ما است.^۲

۳. بصیرت و زمان‌شناسی

بصیرت، واژه‌ای عربی و در لغت به معنای علم، عبرت و حجت است.^۳ در فرهنگ قرآنی نیز به معنای رؤیت قلبی و ادراک باطنی آمده است.^۴ امام علی علیه‌السلام بصیر را این‌گونه معرفی کرده است:

۱. نحل: ۴۳.

۲. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه؛ «باید در تاریخ ثبت کرد»، ۱۳۹۷/۰۶/۲۵، کد خبر: ۴۰۴۲۴.
<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=40424>

۳. محمد بن مکرّم ابن منظور؛ لسان العرب؛ ج ۴، ص ۶۵.

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی؛ مفردات الفاظ القرآن؛ ص ۴۹.

«فَإِنَّمَا الْبَصِيرُ مَنْ سَمِعَ فَتَفَكَّرَ وَ نَظَرَ فَأَبْصَرَ وَ انْتَفَعَ بِالْعَبْرِ»^۱ اهل بصیرت، کسی است که بشنود و بیندیشد و بنگرد و ببیند و از حوادث عبرت گیرد».

بصیرت یعنی شناخت حق از باطل در فضای پر هیاهو و غبار آلود که حق، چنان در باطل درآمیخته است که فرد، نیازمند بینشی فراتر از دانش معمولی باشد. بدیهی است بصیرت ربطی به علم و دانش کلاسیک و به موقعیت و جایگاه اجتماعی ندارد. در میان همه سطوح علمی و اجتماعی، افراد بی بصیرت وجود دارد. در واقع بصیرت و شناخت حق، مهم ترین نقشه جهت یابی برای به کارگیری این نیرو و انگیزه برتر جوانی است. اهمیت بصیرت تا جایی است که امام علی علیه السلام فرموده است: «ذَهَابُ الْبَصْرِ خَيْرٌ مِنْ عَمَى الْبَصِيرَةِ»^۲ نابینایی چشم، بهتر از نابینایی دل (و نداشتن بصیرت) است».

مقام معظم رهبری علیه السلام، بصیرت را نیاز اصلی جامعه دانسته و فرموده است: «بصیرت اجازه نمی دهد غبار آلودگی فتنه، کسی را گمراه کند».^۳ تأکیدهای پی در پی رهبر معظم انقلاب اسلامی علیه السلام بر موضوع بصیرت در شرایط کنونی و توصیه آن به جوانان، بیشتر به سبب جنگ نرم دشمنان است. در چنین شرایطی بصیرت، پیش نیاز مقابله با جنگ نرم در فضای مجازی است. ایشان بصیرت را چون قطب نما و نورافکن می دانند که مسیر درست را به آدمی نشان می دهد و از افتادن به دام فتنه باز می دارد.^۴

یکی از ویژگی های مهم و برجسته جوانان عاشورایی که در حضرت عباس علیه السلام تجلی یافته است، بصیرت است. نکته دقیق و لطیف در فرمایش امام صادق علیه السلام درباره بصیرت قمر بنی هاشم علیه السلام، عنصر «نفوذ» (نافذ البصيرة) است. در زیارت ایشان می خوانیم: «أَنَّكَ مَضَيْتَ عَلَيَّ بِبَصِيرَةٍ مِنْ أَمْرِكَ مُقْتَدِيًا بِالصَّالِحِينَ»^۵ به درستی که تو ای ابوالفضل! عمرت را سپری کردی، در حالی که دارای مقام بصیرت بودی و به صالحین اقتدا نمودی».

دامنه بصیرت، چنان قابلیت در قمر بنی هاشم ایجاد کرد که پرچمدار نهضت حسینی و علمدار دشت کربلا شد. شواهد تاریخی فراوانی بر عمق بصیرت حضرت عباس علیه السلام حکایت دارد که در

۱. محمد بن حسین شریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ خطبه ۱۵۳.

۲. عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی؛ غررالحکم و دررالکلم؛ ج ۴، ص ۳۲.

۳. بیانات در دیدار مردم چالوس با رهبر انقلاب در ورزشگاه شهدای هفتم تیر؛ ۱۳۸۸/۰۷/۰۵.

<https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=8174>

۴. مرکز صهبا؛ بصیرت و استقامت؛ ص ۱۰.

۵. جعفر بن محمد ابن قولویه؛ کامل الزیارات؛ ص ۲۵۶.

آثار تاریخ‌نویسان اهل سنت نیز یافت می‌شود. بلاذری، از مورخان مشهور اهل سنت می‌نویسد: شمر به سمت خیمه امام حسین علیه السلام آمد و گفت: خواهرزاده‌هایم کجایی؟ خطاب شمر با چهار پسر حضرت ام‌البنین علیها السلام بود. هنگامی که حضرت عباس علیه السلام و برادرانش از خیمه خارج شدند تا ببینند شمر چه کاری با آن‌ها دارد، شمر به آن‌ها گفت: برای شما امان‌نامه آورده‌ام. آنان ضمن رد کردن امان‌نامه، گفتند: لعنک الله و لعن أمانک!!! أتؤمننا واین بنسب رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا أَمَانَ لَهُ؛^۱ خداوند، تو و امان‌نامه‌ات را لعنت کند. آیا ما در امان باشیم، ولی امام حسین علیه السلام امانی نداشته باشد؟!!

با دقت در این رویداد تاریخی می‌توان به این نتیجه رسید که عباس علیه السلام هم که باشی، دشمن در تو طمع می‌ورزد و حتی برایت امان‌نامه می‌فرستد. حضرت عباس علیه السلام نه تنها امام زمان خود را در سخت‌ترین اوضاعی که لشکر انبوه دشمن به ایشان حمله کرده بود، تنها نگذاشت؛ بلکه جان خود را سپر امام علیه السلام خود کرد. این نوع رشادت و دلاوری، تنها از کسی بر می‌آید که توان تشخیص حق را داشته باشد و با کمال رشادت و شجاعت از آن حمایت کند.

بصیرت نوجوان یازده‌ساله

جوانان عاشورایی با بصیرت خود، همواره عیار مردم را با گفتار و کردارشان نسبت به اهل بیت علیهم السلام می‌سنجیدند. وقتی می‌دیدند برخی، گفتار زیبا و حق‌مدارانه دارند؛ ولی در عمل علیه ولایت حرکت می‌کنند، نفاق‌شان را کشف می‌کردند و به نیرنگ و خبث طینت‌شان پی می‌بردند. یکی از جلوه‌های زیبای بصیرت را می‌توان در سیمای نوجوان ۱۱ ساله یعنی عمرو بن جناده^۲ جستجو کرد. او از امام حسین علیه السلام اجازه میدان خواست. حضرت فرمود: «پدر این جوان در جنگ به شهادت رسیده است. شاید مادرش راضی نباشد». او عرض کرد: «إِنَّ أُمَّي هِيَ الَّتِي أَمَرْتَنِي؛^۳ مادرم به من فرمان داده است گام در این میدان بگذارم». این شهید ۱۱ ساله کربلا در رجزهای خود، سپاه به‌ظاهر مسلمان کوفه را افرادی رذل، دشمن قرآن و فاسق توصیف می‌کند که برای کنار زدن قرآن، به یاری دولتمردان فاسق خود برخاسته‌اند:

۱. احمد بن یحیی بلاذری؛ جمل من انساب الاشراف؛ ج ۳، ص ۳۹۱.

۲. عبدالله مامقانی؛ تنقیح المقال؛ ج ۲، ص ۳۲۷.

۳. محمدباقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۴۵، ص ۲۸.

وَأَلْيَوْمَ تُخْضَبُ مِنْ دِمَاءِ مَعَاشِرٍ
رَفَضُوا الْقُرْآنَ لِنُصْرَةِ الْأَشْرَارِ^۱

امروز از خون جماعتی رنگین می شود که قرآن را برای یاری اشرار رها کردند و درصدد انتقام خون های ریخته شده شان در - جنگ - بدر هستند.

او همان کسی است که رجز به یاد ماندنی ای از خود به جا گذارد:
أَمِيرِي حُسَيْنٌ وَ نِعَمَ الْأَمِيرِ
سُرُورٌ فُوَادِ الْبَشِيرِ النَّذِيرِ^۲

این نوجوان عاشورایی، الگوی شهدای نوجوان جنگ تحمیلی همچون شهید محمدحسین فهمیده و شهید بهنام محمدی شد که هیچ هراسی از مرگ نداشتند و جان خود را در راه دفاع از آرمان هایشان نثار کردند.

مرحمت بالازاده؛ شهیدی که حکم جهادش را از دستان مقام معظم رهبری گرفت

در یکی از روزهای سال ۱۳۶۲، زمانی که حضرت آیت الله خامنه ای علیه السلام، رئیس جمهور وقت، از خیابان پاستور خارج می شدند، در مسیر حرکتش پسری ۱۲-۱۳ ساله به نام مرحمت بالازاده از میان حلقه محافظان بیرون آمده و خودش را به حضرت آقا می رساند و با هیجان و به ترکی می گوید: «آقا جان! من از اردبیل تا اینجا آمدم که یک خواهشی از شما بکنم.» حضرت آقا می فرمایند: «بگو پسر. چه خواهشی؟» شهید بالازاده می گوید: آقا! خواهش می کنم به آقایان روحانی و مداحان دستور بدهید که دیگر روضه حضرت قاسم علیه السلام نخوانند! حضرت آقا می فرمایند: چرا پسر؟

شهید بالازاده به یک باره بغضش ترکیده و سرش را پایین انداخته می گوید: «آقا جان! حضرت قاسم علیه السلام ۱۳ ساله بود که امام حسین علیه السلام به او اجازه داد برود در میدان و بجنگد، من هم ۱۳ ساله ام ولی فرمانده سپاه اردبیل اجازه نمی دهد به جبهه بروم هر چه التماسش می کنم، می گوید ۱۳ ساله ها را نمی فرستیم، اگر رفتن ۱۳ ساله ها به جنگ بد است، پس این همه روضه حضرت قاسم علیه السلام را چرا می خوانند؟». حضرت آقا می فرمایند: «پسر! شما مگر درس و مدرسه نداری؟ درس خواندن هم خودش یک جور جهاد است» شهید بالازاده هیچ چیز نمی گوید، فقط گریه می کند حضرت آقا شهید بالازاده را جلو کشیده و در آغوش می گیرند و رو به سرتیم محافظانش کرده و می فرمایند: «آقای...! یک زحمتی بکش با آقای ملکوتی (امام جمعه وقت تبریز) تماس

۱. همان.

۲. همان، ص ۲۷.

بگیر بگو فلانی گفت این آقا مرحمت رفیق ما است، هر کاری دارد راه بیاندازید و هر کجا هم خودش خواست ببردش، بعد هم یک ترتیبی بدهید برایش ماشین بگیرند تا برگردد اردبیل، نتیجه را هم به من بگویید».

سپس حضرت آقا خم شده صورت خیس از اشک شهید بالازاده را بوسیده و می فرماید: «ما را دعا کن، پسرم درس و مدرسه را هم فراموش نکن، سلام مرا به پدر و مادر و دوستان در جبهه برسان...» شهید مرحمت بالازاده به اردبیل بازگشت، اما از خوشحالی در پوست نمی گنجید. شهید بالازاده با نشان دادن مجوز آقا، وارد تیپ عاشورا شد. کمتر از سه روز بعد، فرمانده سپاه اردبیل، شهید بالازاده را خوشحال و خندان دید که با حکمی پیشش آمد و با این مجوز وارد تیپ عاشورا شد و در عملیات‌های بسیار جان‌فشانی کرد. شهید بالازاده حدود سه سال در جبهه‌های جنگ حق علیه باطل با دشمن جنگید سرانجام روز ۲۱ اسفند ۱۳۶۳ در جزیره معجون در عملیات بدر، میهمان سفره حضرت قاسم علیه السلام شد.^۱

۴. ولایت‌مداری

تمامی رفتار و گفتار شهدای کربلا و به‌ویژه جوانان که در رجزخوانی‌های آنان متبلور است، سرشار از پشتیبانی از ولایت است. منطق آنان این است که همه باید فدای ولی خدا شوند تا درخت نوپای دین و ولایت رشد کند. عباس بن علی علیه السلام، آینه تمام‌نمای ولایت‌مداری است. ایشان همواره در سراسر زندگی، تابع محض امام زمانش بود. برخوردار ابوالفضل العباس علیه السلام با امام حسین علیه السلام، صرف ارتباط برادرانه نبوده است؛ بلکه او با نگاه امام زمان و ولی خود با حضرت رفتار می‌کرد و در تمام مراحل زندگی نهایت تواضع و ادب را نسبت به برادر خود رعایت می‌کرد و در دفاع از امام زمان خویش و یاری سیدالشهدا علیه السلام، لحظه‌ای آرام ننشست. او که شجاعت را از پدر بزرگوارش به ارث برده بود، برای جنگ با دشمنان لحظه‌شماری می‌کرد، اما به فرمان امام و ولی خود دست به شمشیر نبرد - مگر جز یک مورد که زهیر و حر در محاصره قرار گرفته بودند - و فرمان مُطاع مقام ولایت را اجرا کرد. برای ایشان انجام تکلیف مهم بود. فرقی نمی‌کرد بچنگد و یا علمدار دشت کربلا باشد.

نقل است علم حضرت عباس علیه السلام، جزء اموال غارت‌شده‌ای بود که به شام بردند. وقتی چشم

۱. خیرگزاری تسنیم؛ «مرحمت بالازاده؛ شهیدی که حکم جهادش را از دستان مقام معظم رهبری گرفت»؛

یزید به آن افتاد، عمیقاً به آن نگریست و سه بار از جای خود برخاست و سپس نشست. وقتی دلیل این کار را از او پرسیدند، گفت: «این پرچم در دست چه کسی بوده است؟» گفتند: «به دست عباس، برادر حسین». یزید گفت: «تعجبم از شجاعت اوست. تمام قسمت‌های آن از پارچه و چوب بر اثر اصابت تیرها و سلاح‌های دیگر آسیب دیده، جز دستگیره آن که کاملاً سالم مانده است. این امر نشانگر آن است که تیرها به دست پرچمدار اصابت می‌کرده، ولی او پرچم را رها نکرده و تا آخرین لحظه توان خود پرچم را نگه داشته است و آن‌گاه که رمق خویش را از دست داده، یا پرچم از دستش افتاده، یا با دست او با هم به زمین افتاده است»^۱.

حضرت حجت‌الله دربار وفاداری و ولایت‌مداری سقای دشت نینوا در زیارت‌نامه آن حضرت چنین به تصویر کشیده است:

السَّلَامُ عَلَى أَبِي الْفَضْلِ الْعَبَّاسِ بْنِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ - الْمُؤَاسِي أَخَاهُ بِنَفْسِهِ الْأَخِيذِ لِعَدِيهِ مِنْ أَفْسِهِ - الْفَادِي لَهُ الْوَأَقِي السَّاعِي إِلَيْهِ؛^۲ سلام بر ابوالفضل عباس، فرزند امیرمؤمنان علیه السلام، کسی که جان خود را نثار برادرش کرد. دنیا را وسیله آخرت خود قرار داد. فدای برادرش شد، نگهبان بود و سعی بسیار کرد تا آب را به لب تشنگان برساند.

امتیاز «الفادی له»، نشان‌دهنده اوج ایثار است. حضرت ابوالفضل علیه السلام در راه ولایت و اطاعت از امام زمانش، همه سرمایه‌اش را که عمر و جان خویش بود، فدا کرد. در زمان حاضر نیز چه بسیاری جوانان عاشورایی که به حضرت عباس علیه السلام اقتدا کردند و فرمان ولی زمان خویش را به جان خریدند. نمونه بارز آن نوجوان اسیر ایرانی است که وقتی خبرنگار فرانسوی از او درباره امام خمینی ره پرسیده بود، جواب داده بود: «او رهبر من است. هر کاری که او گفت. او گفت بروید، ما می‌رویم و هر چه ایشان بگوید»^۳.

فهرست منابع

کتاب

۱. ابن‌قولویه، جعفر بن محمد؛ کامل‌الزیارات؛ چاپ اول، نجف اشرف: دارالمرتضویه، ۱۳۵۶ق.

۱. علی ربانی خلخالی؛ چهره درخشان قمر بنی‌هاشم؛ ج ۱، ص ۱۹۰.

۲. محمدباقر مجلسی؛ بحارالانوار؛ ج ۴۵، ص ۶۴.

۳. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه؛ «دفاع مقدس و شاخص ولایت‌مداری»؛ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷، کد خبر: ۹۹۲۶۰.

۲. ابن منظور، محمد بن مکرم؛ لسان العرب؛ بیروت: دار صادر، [بی تا].
۳. ابن نما حلی، جعفر بن محمد؛ مثیر الأحزان؛ ترجمه علی کرمی؛ چاپ اول، قم: نشر حاذق، ۱۳۸۰ ش.
۴. ابوالفرج اصفهانی، علی بن حسین؛ مقاتل الطالبین؛ چاپ دوم، قم: مؤسسه دارالکتب، [بی تا].
۵. بلاذری، احمد بن یحیی؛ جمل من انساب الاشراف؛ بیروت: دارالفکر، [بی تا].
۶. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد؛ غررالحکم و دررالکلم؛ قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۶ ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد؛ مفردات الفاظ القرآن؛ بیروت: دارالمعرفه، [بی تا].
۸. ربانی خلخالی، علی؛ چهره درخشان قمر بنی هاشم؛ چاپ هفتم، قم: مکتب الحسین علیه السلام، ۱۳۸۶ ش.
۹. شریف الرضی، حسین بن محمد؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ چاپ اول، قم: هجرت، ۱۴۱۴ ق.
۱۰. مامقانی، عبدالله؛ تنقیح المقال فی علم الرجال؛ [بی جا]: چاپ سنگی، [بی تا].
۱۱. مجلسی، محمدباقر؛ بحارالأنوار؛ چاپ دوم، بیروت: دار إحياء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۱۲. مرکز صهبا؛ بصیرت و استقامت؛ چاپ اول، قم: مؤسسه فرهنگی هنری ایمان جهادی، ۱۳۸۹ ش.
۱۳. مظفر، عبدالواحد؛ بطل العلقمی؛ بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات، ۱۴۲۹ ق.
۱۴. مفید، محمد بن محمد؛ الإرشاد؛ چاپ اول، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۳ ق.

سایت‌ها

۱. پایگاه اطلاع‌رسانی حوزه؛ «دفاع مقدس و شاخص ولایت‌مداری»؛ ۱۳۹۹/۰۶/۲۷، کد خبر: ۹۹۲۶۰.
۲. پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار آیت‌الله سید علی حسینی خامنه‌ای؛ «باید در تاریخ ثبت کرد»؛ ۱۳۹۷/۰۶/۱۵.
۳. خبرگزاری تسنیم؛ «ایمان قوی، علت آرامش چهره شهید پس از اسارت»؛ ۱۳۹۶/۰۵/۲۸، کد خبر: ۱۴۹۴۰۱۵.
۴. خبرگزاری تسنیم؛ «مرحمت بالازاده؛ شهید ۱۱ ساله‌ای که حکم جهادش را از دستان مقام معظم رهبری گرفت»؛ ۱۳۹۵/۰۸/۱۰، کد خبر: ۶۸۲۰۹۰.